

تبیین عقلانی دین مانع ترویج خرافه‌گرایی است

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه ترویج خرافه‌گرایی در اثر عدم تعقل بوده و خسارت‌های فراوانی را متوجه عموم جامعه می‌کند، عنوان کرد: تبیین عقلانی دین مانع ترویج خرافه‌گرایی است.



عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه ترویج خرافه‌گرایی در اثر عدم تعقل بوده و خسارت‌های فراوانی را متوجه عموم جامعه می‌کند، عنوان کرد: تبیین عقلانی دین مانع ترویج خرافه‌گرایی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا رضوان‌طلب، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان اینکه ترویج خرافه‌گرایی در اثر عدم تعقل است و خسارت‌های فراوانی را متوجه عموم جامعه می‌کند، عنوان کرد: اینکه می‌گوییم عقلانیت را بیشتر ترویج کنیم، برای این است که عامه مردم را از خرافات جدا کنیم و این همه تکیه بر خواب و خواب‌نمایی در جلسات و منابر و امثال اینها نداشته باشیم.

این محقق و پژوهشگر علوم اسلامی بیان کرد: اگرچه بخش زیادی از حیات بشری را رؤیا تشکیل می‌دهد و رؤیا بدون اینکه حامل پیام باشد و یک نقش مهمی را در زندگی انسان اجرا کند، نمی‌تواند تفسیر شود، ولی افراط در خواب‌نمایی و خواب‌گرایی، زندگی امروز ما و باورهای دینی را با مشکلاتی مواجه کرده است.

وی در پاسخ به این سؤال که این عقلی که شما می‌گویید باید ترویجش دهیم و باید اصول عقائدمان را بر اساس آن قرار دهیم چه نوع عقلی است؟ عنوان کرد: معمولاً افراد عقل را شخصی‌سازی می‌کنند و می‌گویند عقل من، عقل حسن و عقل فلانی، این اصلاً عقل نیست و نباید عقل به حساب آید.

عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران تصریح کرد: پیمانه‌های عقل ما علاوه بر اینکه حاوی عقل است، دربردارنده وهم و هوی نیز هست و معمولاً خیلی از چیزهایی که ما فکر می‌کنیم که حاصل عقل ماست نتیجه و خروجی آن قسمت وهم و هوی است که سلیقه‌ها و ذائقه‌های شخصی ما در آن دخیل شده و خیال می‌کنیم که عقل است.

حجت‌الاسلام رضوان‌طلب:

عقل می‌گوید منفعتی برای خدا در زندگی ما تصور نمی‌شود و جهل و تاریکی هم در او راه ندارد و نمی‌شود او چیزی را غلط تشخیص دهد؛ پس هرچه او می‌گوید درست و صحیح است و غیر او هر چیز دیگر و هر ندای دیگری سقوط است؛ بنابراین عقل صحیح ما را به سمت عصیان راهنمایی نمی‌کند

این محقق و پژوهشگر علوم اسلامی با بیان اینکه نباید عقل ما معیار تشخیص باشد؛ چراکه عقل بشر ناقص است و همه چیز با چنین عقلی قابل تفسیر و تعبیر نیست، بیان کرد: سهم و حظ ما از عقل خیلی ناقص است و اینکه ما می‌گوییم عقل، یعنی عقول جمعی و متعاضد، عقول ناب‌شده و عقول مصون از شائبه، نه عقلی که همه چیز در آن با یک ذره عقل آمیخته شده باشد.

رضوان‌طلب در تبیین این مطلب که کدام عقل می‌تواند ملاک و معیار واقع شود، عنوان کرد: عقلی که ما گفتیم می‌تواند به عنوان معیار قرارگیرد، عقول متعاضد است؛ یعنی چیزی که عقلای عالم برآن تسالم دارند، راهی، حرفی، قاعده‌ای، منطق و گفتمانی که مورد تأیید عقلای عالم است، نه اینکه هر کسی عقل خودش را معیار قرار دهد؛ زیرا وقتی که عقل را فردی و شخصی‌سازی کردیم دیگر عقل نیست بلکه سلیقه است که ما اسمش را عقل گذاشته‌ایم.

وی در جواب اینکه آیا ممکن است عقل در مسیر عصیان خدا قدم بردارد؟ گفت: انسان به وسیله عقل، منافع خودش را اندازه‌گیری می‌کند و عقل شاخص این است که منفعت کجاست و مسلماً منفعت انسان در همین زندگی مادی، درگیر شدن با قدرتی که نمی‌توانیم برخلاف آن کاری کنیم، نیست و هرچند که مادی فکر کنیم، عقل اجازه چنین کاری را صادر نمی‌کند.

وی افزود: ما باید از طریق عقل با قدرت قاهر خلقت کنار بیاییم و خودمان را با آن تطبیق بدهیم؛ لذا این عقل طبیعتاً ما را به درگیری و عصیان در برابر خدا هدایت نمی‌کند، خصوصاً اینکه می‌بینیم خداوند متعال از موضع قهر و زورگوئی به ما دستور نمی‌دهد بلکه از موضع رحمت ما را راهنمایی می‌کند؛ یعنی صلاح ما در این است و باید این‌طوری به آن نگاه کنیم. هر چیزی را که او نگفته است برای منافع ما یک جهنم و دره سقوط است؛ چراکه هر چه شاهراه بوده برای ما نشان داده است و عقل این را می‌گوید.

رضوان‌طلب در پایان سخنان خود اظهار کرد: عقل می‌گوید منفعتی برای خدا در زندگی ما تصور نمی‌شود و جهل و تاریکی هم در او راه

ندارد و نمی‌شود او چیزی را غلط تشخیص دهد؛ پس هرچه او می‌گوید درست و صحیح است و غیر او هر چیز دیگر و هر ندای دیگری سقوط است؛ بنابراین عقل صحیح ما را به سمت عصیان راهنمایی نمی‌کند.